

اجلاس بین المللی حمایت از مردم فلسطین - 14 / اسفند / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

به شما میهمانان گرامی، علماء و متفکران و سیاستمداران و مجاهدان که در چهارمین گردهمایی برای دفاع از فلسطین به جمهوری اسلامی ایران آمده‌اید خوشامد می‌گویم. در فاصله‌ی این اجلاس با اجلاس قبلی که در روزهای 15 تا 17 ربیع‌الاول سال 1427 هجری قمری در تهران تشکیل شد حوادث مهم و تعیین‌کننده‌ی اتفاق افتاده است که افق آینده را در قضیه‌ی فلسطین روشنتر و وظائف ما را درباره‌ی این مسأله‌ی همچنان اصلی دنیای اسلام آشکارتر می‌سازد. از جمله‌ی این حوادث مهم، شکست شگفت‌آور نظامی و سیاسی اسرائیل در برابر مقاومت اسلامی در جنگ 33 روزه‌ی لبنان در سال 1427 هجری قمری و ناکامی خفت‌آور رژیم صهیونیستی در جنگ 22 روزه‌ی جنایتکارانه‌اش با مردم و دولت قانونی فلسطین در غزه است.

اکنون رژیم غاصب که چند دهه با ارتش و تسلیحات خود و با پشتیبانی نظامی و سیاسی امریکا، چهره‌ی مهیب و شکست‌ناپذیر نشان می‌داد، دو بار از نیروهای مقاومت که با اتکاء به خدا و مردم، بیش از اتکاء به سلاح و تجهیزات می‌جنگیدند، شکست خورده و با وجود تمرینها و آماده‌سازیهای نظامی و سازمانهای عریض و طویل اطلاعاتی و حمایت بیدریغ امریکا و بعضی دولتهای غربی و همدستی برخی منافقان جهان اسلام، انحلال، و شیب تند سقوط، و عدم کفایت خود در برابر موج نیرومند بیداری اسلامی را ظاهر ساخته است.

از سوئی دیگر جنایاتی که در حادثه تاریخی غزه از مجرمان صهیونیست سر زد؛ کشتار وسیع مردم غیرنظامی، ویران کردن خانه‌های بیدفاع، سوراخ کردن سینه‌ی کودکان شیرخوار، بمباران دبستان و مسجد، به‌کارگیری بمبهای فسفوری و برخی سلاحهای ممنوع دیگر، بستن راه غذا و دارو و سوخت و دیگر نیازهای اولیه‌ی مردم در مدتی نزدیک به دو سال، و بسی جنایات دیگر، ثابت کرد که غریزه‌ی وحشیگری و جنایت در سران دولت جعلی صهیونیست، با دهه‌های آغازین فاجعه‌ی فلسطین هیچ تفاوتی نیافته و همان سیاست و همان خوی درندگی و بی‌رحمی که فاجعه‌های دیر یاسین و صبرا و شتیلا را پدید آورد، امروز هم بعینه بر ذهن و دل ظلمانی این طاغوتهای زمان حاکم است که البته امروز با بهره‌گیری از پیشرفت فناوری، دایره‌ی جنایت بسی گسترده‌تر و فاجعه‌بارتر می‌باشد.

چه آنان که با توهم شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیست، شعار «واقع‌بینی» سر داده دست سازش و تسلیم در برابر غاصبان دراز کردند، و چه کسانی که به خیال باطل خود، نسل دوم و سوم سیاستمداران صهیونیست را مبراً از جنایات نسل اول دانسته، امید همزیستی سالم در کنار آنان را در دل پروراندند، اکنون باید به خطای خود پی برده باشند. اولاً: با موج بیداری امت مسلمان و بالیدن نهال مقاومت اسلامی، آن هیبت دروغین فرو ریخته و نشانه‌های ناتوانی و درماندگی در رژیم غاصب آشکار گشته است، و ثانیاً خوی تجاوزگری و بی‌شرمی از جنایت در گردانندگان آن رژیم همان است که در دهه‌های اول بود و هرگاه بتوانند یا گمان ببرند که میتوانند، از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. اکنون 60 سال از اشغال فلسطین می‌گذرد. در این مدت همه‌ی ابزارهای قدرت مادی در خدمت غاصبان قرار گرفته است؛ از پول و سلاح و فناوری، تا تلاشهای سیاسی و دیپلماسی، و تا شبکه‌ی عظیم امپراتوری خبری و اطلاع‌رسانی.

به‌رغم این تلاش شیطانی گسترده و حیرت‌آور، غاصبان و حامیان آنان نه تنها نتوانسته‌اند مسأله‌ی مشروعیت رژیم صهیونیستی را حل کنند، بلکه این مسأله با گذشت زمان بغرنج‌تر هم شده است.

عدم تحمل رسانه‌های غربی و صهیونیستی و دولتهای حامی صهیونیسم در برابر حتی طرح سؤال و تحقیق درباره هولوکاست که بهانه‌ی غصب فلسطین بود، یکی از نشانه‌های این تزلزل و ابهام است. اکنون وضع رژیم صهیونیستی از همیشه‌ی تاریخ سیاه خود در افکار عمومی جهان بدتر و پرسش از دلیل پیدایش آن جدیتر است. اعتراض بی‌سابقه و خودجوش جهانی از شرق آسیا تا امریکای لاتین علیه آن رژیم و تظاهرات مردمی در 120 کشور جهان و از

جمله در اروپا و در انگلیس که خاستگاه اصلی این شجره‌ی خبیثه بود، و دفاع آنان از مقاومت اسلامی غزه و از مقاومت اسلامی لبنان در جنگ 33 روزه، نشان می‌دهد که یک مقاومت جهانی علیه صهیونیسم پدید آمده که در 60 سال گذشته هرگز تا این حد، جدی و حجیم نبوده است. میتوان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است وجدان جهانی را بیدار کند.

این درس بزرگی است، هم برای دشمنان امت اسلامی که خواسته‌اند با زور و سرکوب، دولتی و ملتی جعلی و فرمایشی بسازند و با مرور زمان، آن را به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل کرده و چنین تحمیل ظالمانه‌ی را در جهان اسلام، عادی‌سازی کنند. و هم برای امت اسلامی و بویژه جوانان غیور و وجدانه‌ی بیدار آن، تا بدانند که مجاهدت در راه بازگرداندن حق پایمال شده، هرگز ضایع نمی‌شود و وعده‌ی خداوند راست است که فرمود:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.

و قال تعالی: إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، و قال عزوجل: وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، و قال: وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ، و قال عز من قائل: فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ و کدام وعده از این وعده الهی صریحتر که فرمود: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

مغالطه‌ی بزرگی که در قضیه‌ی فلسطین بر ذهن برخی از دست‌اندرکاران چنگ انداخته این است که کشوری بنام اسرائیل یک واقعیت شصت ساله است و باید با آن کنار آمد. من میدانم اینها چرا از واقعیت‌های دیگری که در برابر چشم آنان است درس نمی‌گیرند؟ مگر کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از هشتاد سال بی‌هویتی و تبدیل به بخشهائی از شوروی سابق، بار دیگر هویت اصلی خود را باز نیافتند؟

چرا فلسطین که پاره‌ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را باز یابد؟ و چرا جوانان فلسطینی که در شمار باهوشترین و مقاومترین جوانان عربند نتوانند اراده‌ی خود را بر این واقعیت ظالمانه فائق گردانند؟

مغالطه‌ی بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره است! مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فریب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانتبار آن، اولاً با هزینه‌ی سنگین اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانیاً همان حکومت نیم‌بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند؛ محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام‌الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه‌ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً؛ چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسئولان حکومت خودگردان مانند رؤسای کلانتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدینصورت تخم کینه را در میانه‌ی گروه‌های فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند.

و رابعاً؛ همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط ببرکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسلیم‌ناپذیر بود. اگر انتقاضه‌ها رخ نمیداد صهیونیستها با وجود تنازل پی‌درپی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم هرگز به آنان نمیدادند.

یا مذاکره با امریکا و انگلیس که بزرگترین گناه را در ایجاد و حمایت از این غده‌ی سرطانی مرتکب شده‌اند؟ و خود پیش از آنکه میانجی باشند طرف دعوایند؟ دولت امریکا هیچگاه حمایت بی‌قید و شرط خود از رژیم صهیونیست و حتی از جنایت‌های آشکار آن از قبیل ماجرای اخیر غزه را متوقف نکرده است.

حتی رئیس‌جمهور جدید امریکا هم که با شعار تغییر در سیاست‌های دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی‌قید

و شرط به امنیت اسرائیل دم میزند، یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و زورگویی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در 22 روز، این یعنی همان کژراهه‌ی دوران بوش و نه چیزی کمتر. مذاکره با مجامع وابسته به سازمان ملل هم یک رویکرد عقیم دیگر است. سازمان ملل شاید در کمتر نمونه‌ی همچون مسأله‌ی فلسطین، مورد آزمون افشاگر و رسواکننده قرار گرفته باشد.

شورای امنیت، یک روز اشغال فلسطین به وسیله‌ی گروه‌های تروریست جزا را سریعاً به رسمیت شناخت و نقشی اساسی را در پیدایش و تداوم این ظلم تاریخی بازی کرد، و پس از آن چندین دهه همواره در برابر نسل‌کشی‌ها، آواره‌سازیها، جنایتهای جنگی و انواع جرائم گوناگون دیگر آن رژیم، سکوت رضایت‌آمیز کرد، و حتی هنگامی که مجمع عمومی رأی به نژادپرست بودن صهیونیسم داد، نه تنها با آن همراهی نکرد، که در عمل 180 درجه با آن فاصله گرفت. کشورهای زورگویی عالم که برخوردار از عضویت دائم در شورای امنیت‌اند از این مجمع جهانی همچون ابزار استفاده میکنند.

نتیجه آنکه نه تنها این شورا به کار امنیت در جهان کمکی نمیکند بلکه هر جا که قرار است مفاهیمی همچون حقوق بشر یا دموکراسی و امثال آن، وسیله‌ی زیاده‌طلبی و سلطه‌ی بیشتر آنان گردد، به کمک ایشان می‌شتابد و بر کارهای نامشروع آنان پوششی از فریب و دروغ می‌افکند.

نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل یا از قدرتهای مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.

ارکان این مقاومت، از سوئی گروه‌های مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سوئی دیگر، دولتها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالمان دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی‌شک وجدانهای بیدار و دل‌ها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیسم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذیحق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد. نمونه‌ی این حقیقت را در طول روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه‌ی رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین‌المللی در برابر دوربین رسانه‌ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمانهای بشردوستانه، تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتخت‌های اروپائی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه‌ی رؤسای چنددولت در امریکای لاتین، همه و همه نشانه‌ی آن است که دنیای غیرمسلمان نیز هنوز به دست نیروهای شرآفرین و فسادآفرین - که نام قرآنی آنها شیطان است - به طور کامل تسخیر نشده و هنوز میدان برای جولان حقیقت، باز است.

آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطین و حمایت و کمک همه‌جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلسم شیطانی غصب فلسطین را بشکند. انرژی عظیم امت اسلامی میتواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند.

اکنون خطاب من به شما برادران و خواهران مسلمان است در سراسر جهان و نیز به همه‌ی وجدانهای بیدار از هر کشور و ملت. همت کنید و طلسم مصونیت جنایتکاران صهیونیست را بشکنید. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب را که در فاجعه‌ی غزه نقش آفرین بودند به پای میز محاکمه بکشانید و به مجازاتی که عدل و عقل حکم میکند برسانید. این اولین قدمی است که باید برداشته شود. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب باید محاکمه شوند. اگر جنایتکار مجازات شود، راه جنایت برای آنان که انگیزه و جنون آن را دارند ناهموار خواهد شد. آزاد گذاشتن عاملان جنایتهای بزرگ، خود عامل و مشوق جنایتهای دیگر است. اگر امت اسلامی پس از جنگ 33 روزه‌ی لبنان و آن فاجعه‌آفرینی‌های دهشتناک، مجازات صهیونیست‌های فاجعه‌آفرین را بجد مطالبه میکرد، اگر این مطالبه‌ی بحق پس از به خاک و خون کشیدن کاروانهای عروسی در افغانستان و پس از جنایات بلک‌واتر در عراق و پس از رسوائیهای سربازان امریکائی در ابوغریب و غیر آن صورت میگرفت، امروز ما شاهد کربلای غزه نمی‌بودیم. ما دولتها و ملت‌های مسلمان در آن قضایا وظیفه‌ی را که قانون عقل و عدل بدان حکم میکرد انجام ندادیم و نتیجه آن

چیزی است که امروز شاهد آنیم.

جای تأسف عمیق است که برخی از دولتها و سیاستمداران جهانی، از مقولات اخلاقی و قضاوت وجدانی بشری، سخت بیگانه‌اند. برای آنها قتل عام بیش از 1350 نفر و زخمی کردن حدود 5500 نفر مردم بی سلاح و بسیاری کودک در ظرف 22 روز در غزه، هیچ حساسیتی برنمی‌انگیزد؛ قاتلان و مجرمان نه تنها مجازات نمی‌شوند، که پاداش هم میگیرند. امنیت رژیم سفاک یک امر قدسی که باید در هر حال از آن دفاع کرد به شمار می‌آید و طرف مظلوم، چه دولتی که با رأی قاطع مردم بر سر کار آمده و چه مردمی که آن دولت را بر سر کار آورده‌اند، متهم و محکوم میشوند. این است حکم دیوان‌سیاستی که با اخلاق و وجدان و فضیلت، نسبتی ندارد و آبش با آن به یک جو نمی‌رود. این دولتها هنگامی که نفرت عمیق افکار عمومی را از خود مشاهده میکنند، بی آنکه علت آشکار آن را ببینند، به سراغ باز هم سیاست‌ورزی می‌روند و این چرخه‌ی معیوب همچنان ادامه می‌یابد.

برادران و خواهران عزیز در همه‌ی جهان اسلام! از تجربه‌ها درس بگیریم.

امت بزرگ ما امروز به برکت بیداری اسلامی، دارای قدرت عظیمی است. کلید حل مشکلات فراوان کشورهای اسلامی، در دست همت و یکپارچگی این مجموعه‌ی شگرف است، و مسأله‌ی فلسطین، فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام است.

گاهی شنیده میشود که کسانی می‌گویند: فلسطین یک مسأله‌ی عربی است. این سخن به چه معنی است؟ اگر مقصود آن است که عرب، احساسات خویشاوندانه‌تری دارد و مایل است خدمت و مجاهدت بیشتری تقدیم کند، این چیز پسندیده‌ئی است و ما به آن تبریک می‌گوئیم. ولی اگر معنی این سخن آن است که سران برخی کشورهای عربی به ندای یا للمسلمین مردم فلسطین کمترین توجهی نکنند و در قضیه‌ی مهمی مانند فاجعه‌ی غزه با دشمن غاصب و ظالم همکاری کنند و بر سر دیگران که ندای وظیفه، آرامشان نمیگذارد فریاد بکشند که شما چرا به غزه کمک میکنید،

در این صورت هیچ مسلمانی و هیچ عربی غیور و با وجدانی این سخن را نمی‌پذیرد و گوینده‌ی آن را از سرزنش و تقبیح معاف نمی‌سازد. این همان منطق اخزم است که پدر خود را کتک میزد و اگر کسی دخالت میکرد بر سر او فریاد میکشید؛ پس از او هم پسرش آن پدر بزرگ را به باد مشت و کتک میگرفت و این در زبان عربی مثل شد که: *ان بَنِي رَمْلُونِي بِالْذَمِّ شِنْشِنَةَ اَعْرَقَهَا مِنْ اَخَزَم*

کمک همه جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفائی بر همه‌ی مسلمانان است. دولتهائی که به جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان بخاطر کمک به فلسطین خرده میگیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود، و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به جای خرده‌گیری و کارشکنی، قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه‌ی دیگران باشند.

حضار محترم شما که در این گردهمائی حضور یافته‌اید، در مسأله‌ی فلسطین صاحب‌نظر و اندیشه‌ورید. وظیفه‌ی تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوریهای ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه‌ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما یک راهکار کاملاً منطبق بر مردم‌سالاری است که میتواند منطق مشترک همه‌ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه‌ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه‌ی فلسطینی‌هائی که سالها مشقت آوارگی را تحمل کرده‌اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند.

دنیا‌ی غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه‌ی پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم میزنند و این آزمون افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد.

آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه‌ی انتخابات کرانه‌ی باختری و غزه را که روی کارآمدن دولت حماس بود نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جائی می‌پذیرند که نتایج آن مطلوب آنان باشد، جنگ طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم میزنند جز دروغ و فریب نیست.

اکنون مسأله‌ی بازسازی غزه یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین است، دولت حماس که منتخب اکثریت قاطع فلسطینیان است و حماسه‌ی مقاومتش در ناکام گذاشتن رژیم صهیونیستی، درخشانترین نقطه در تاریخ صد ساله‌ی اخیر فلسطین است، باید مرکز همه‌ی فعالیت‌های مربوط به بازسازی قرار گیرد. شایسته است که برادران مصری راه کمک‌ها را باز کنند و بگذارند که کشورها و ملت‌های مسلمان به وظیفه‌ی خود در این مهم عمل کنند. در پایان یاد شهیدان جنگ 22 روزه را که با خون خود غزه‌ی فلسطین را به عزت اسلام و عرب مبدل کردند گرامی میدارم و برای آنان طلب مغفرت و رحمت میکنم. و نیز به همه‌ی شهیدان فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان و همه‌ی شهیدان اسلام و به روح مطهر امام راحل عظیم الشان درود میفرستم. از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و نزدیکی هر چه بیشتر ملت‌های مسلمان به یکدیگر و بیداری روزافزون دنیای اسلام را مسألت میکنم. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته